

اهداف توسعه اقتصادی در قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره) و بررسی برخی از مشکلات نظری و اجرائی آن

جناب آقای دکتر صادق بختیاری

عضو هیأت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه اصفهان

بسمه تعالی

مسئله بانکداری اسلامی از زمانی که نظام بانکداری ربوی در کشورهای جهان متداول شده‌اند بسیاری از علمای اسلامی را به خود مشغول داشته است. البته تفکر در این مقوله قدمتی به مراتب بیش از این دارد اما در عمل اولین بانک مبتنی بر موازین اسلامی در اوائل دهه ۱۹۶۰ در مصر ایجاد گردید و از آن تاریخ به بعد بانکهای مشابهی در کشورهای عربستان، پاکستان، سودان، کویت و در جوار بانکداری سنتی این کشور ایجاد گردیده است.

در زمینه تحقیق و تالیف در این مقوله شاید کتابهای «بانک اسلامی» شهید آیت‌الله صدر و «بانکداری بدون ربا» نوشته دکتر نجات‌الله صدیقی جزو اولین کتابهایی باشند که به صورت منظم و سیستماتیک به بررسی مسئله پرداخته‌اند. در طی زمان همواره برقراری یک سیستم بانکداری اسلامی بدون ربا آرزوی هر مسلمانی بوده است. قبل از پیروزی انقلاب اسلامی بانک‌ها به عنوان سمبل سرمایه‌داری و نمونه‌ای از موسسات مخالف احکام اسلامی در راس حملات قرار گرفته و شاید اولین مکانهایی که مورد ضربات و هجوم تظاهرکنندگان قرار می‌گرفت همان شعبات بانکها بود و پس از پیروزی انقلاب انتظار تغییر و تحول در سیستم بانکی بیش از هر وزارتخانه یا سازمان دیگری ملموس بود.

اولین مصوبه شورای انقلاب در این رابطه حدوداً سه ماه پس از پیروزی انقلاب و با هدف سوق دادن فعالیت بانکها در جهت اسلامی شدن به تصویب رسید (۱). بعد از تصمیم ملی کردن بانکها، شورای انقلاب در مهر ۵۸ با تصویب لایحه دیگری (۲) به شورایی عالی بانکها اجازه ادغام بانکهای موجود را داده و شورایی عالی بانکها نیز به این دلیل که «اکثراً این بانکها بدون ضرورت واقعی تأسیس

شده و فقط در جهت رفع نیاز سرمایه‌داران و گروه‌های خاص عمل می‌کرده‌اند و... و تراکم شعب این بانکها در تهران بدون در نظر گرفتن نیازهای واقعی است، (۳) تعداد ۳۶ بانک موجود در کشور را به ۱۱ بانک (۷ بانک تجاری و ۳ بانک تخصصی و یک بانک استان) تقلیل داد. بعد از این اقدام که بیشتر جنبه اداری داشت تا ایجاد یک تحول بنیادی در زیربنای سیستم بانکی، شورای پول و اعتبار مصوبه دیگری در دیماه ۱۳۵۸ مربوط به حذف بهره از سیستم بانکی را به تصویب رساند (۴) که این نیز بیشتر جنبه تبلیغاتی داشت و در عمل بانکها از تسهیلات اعطایی ۰.۴٪ کارمزد و بین ۶ تا ۸ درصد سود تضمین شده دریافت و به سپرده‌های پس‌انداز ۷ درصد و به سپرده‌های ثابت ۸/۵ درصد سود تضمین شده پرداخت می‌کردند.

این تغییرات که بیشتر جنبه ظاهری داشته نتوانسته بود حاکمیت ربا را حذف نموده راهی به سوی اسلامی شدن بانکهای کشور که مورد انتظار توده مردم بگشاید، به این دلیل به موجب یکی از تبصره‌های بودجه کل کشور در سال ۱۳۶۰ دولت مکلف گردید «برای حذف ربا از سیستم بانکی در اسرع وقت مطالعات لازم را انجام داده و لایحه مربوط به آن را حداکثر ظرف مدت ۶ ماه به مجلس شورای اسلامی تقدیم دارد»، (۵) بدین منظور پس از مطالعات لازم به وسیله عده‌ای از صاحب‌نظران فقه و اقتصاد نهایتاً لایحه «حذف بهره و انطباق عملیات بانکی با موازین اسلامی» به مجلس شورای اسلامی تقدیم شد که تحت عنوان قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره) تصویب و پس از تأیید شورای نگهبان مبنی بر مطابقت آن با احکام شرع اسلام از اول سال ۱۳۶۳ به مورد اجراء گذارده شد. از جمله مهمترین اهدافی که در ماده ۱ این قانون تحت عنوان اهداف نظام بانکی در جمهوری اسلامی ایران بیان شده عبارتند از:

- استقرار نظام پولی و اعتباری بر مبنای حق و عدل اسلامی

- گسترش تعاون عمومی و قرض‌الحسنه و کمک به اجرای بندهای ۲ و ۹ اصل ۴۳ قانون اساسی

- حفظ ارزش پول و ایجاد تعادل در موازین پرداخت‌ها و تسهیل مبادلات بازرگانی

تسهیلات اعتباری پیش‌بینی شده در این قانون تماماً مبتنی بر عقود، معاملات و قراردادهای شرعی بوده و مستند به مبانی فقهی، قانون مدنی و قانون تجارت می‌باشند. این تسهیلات عبارتند از فروش اقساطی، مشارکت مدنی، مضاربه، جعاله، سلف، مشارکت حقوقی، قرض‌الحسنه، اجاره به شرط تملیک، سرمایه‌گذاری مستقیم، خرید دین، مزارعه و مساقات و اهداف این عقود بر اساس آئین‌نامه تسهیلات اعطایی بانکی در جدول زیر خلاصه شده‌اند.

جدول شماره ۱ - روشهای اعطای تسهیلات بانکی و اهداف اصلی هر یک از عقود

نوع عقد	هدف عقد بر اساس آئین نامه تسهیلات اعطایی بانکی	ماده مربوطه در آئین نامه
قرض الحسنه	تأمین وسایل و امکانات لازم برای ایجاد کار، کمک به امر افزایش تولیدی و رفع احتیاجات ضروری	۱۵
مشارکت مدنی	ایجاد تسهیلات لازم برای فعالیتهای تولیدی، بازرگانی و خدماتی	۱۹
مشارکت حقوقی	ایجاد تسهیلات لازم برای گسترش فعالیت بخشهای مختلف تولیدی، بازرگانی و خدمات	۲۳
سرمایه گذاری مستقیم	تأمین سرمایه لازم جهت اجرای طرحهای تولیدی و عمرانی انتفاعی	۲۸
مضاربه	ایجاد تسهیلات لازم جهت گسترش امور بازرگانی	۳۶
معامله سلف	ایجاد تسهیلات لازم جهت تأمین سرمایه در گردش واحدهای تولیدی	۴۱
فروش اقساطی	ایجاد تسهیلات لازم جهت تأمین سرمایه در گردش واحدهای تولیدی، گسترش صنعتی و معدن و کشاورزی و احداث واحدهای مسکونی	۴۸، ۵۲، ۵۵
اجاره به شرط تملیک	ایجاد تسهیلات لازم جهت گسترش امور خدماتی، کشاورزی، صنعتی و معدنی	۵۸
جماله	ایجاد تسهیلات لازم برای گسترش امور تولیدی، بازرگانی و خدماتی	۶۷
مزارعه و مساقات	افزایش بهره‌وری و تولید محصولات کشاورزی	۷۲، ۷۵

مأخذ: آئین نامه فصل سوم قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره)

با توجه به اهداف یاد شده در جدول شماره یک، بدون شک بالا بردن رشد تولید و ایجاد اشتغال و نهایتاً رشد اقتصادی از اهداف عمده مورد نظر تدوین کنندگان این قانون بوده است. گرچه از اهداف دیگر توسعه از جمله چگونگی توزیع این تسهیلات و توجه به ارزش‌های فرهنگی و انسانی مستقیماً بحثی به عمل نیامده است ولی در ماده ۱ این قانون هدف اصلی آن کمک به اجرای بندهای ۲ و ۹ اصل ۴۳ قانون اساسی معرفی شده است. در بند ۹ اصل ۴۳ قانون اساسی اهداف توسعه اقتصادی به صورت افزایش تولیدات، خودکفایی اقتصادی و رهایی از وابستگی و در بند ۲ این اصل تأمین شرایط و امکانات کار برای نیل به اشتغال کامل از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگری پیش‌بینی شده است. به این ترتیب در قانون عملیات بانکی بدون ربا، «وام بدون بهره» در شکل قرض الحسنه و «هر راه

مشروع دیگر، در فرم عقود مختلف اسلامی پیشنهادی مطرح شده‌اند. بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که از اهداف اصلی قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره) بالا بردن اشتغال، افزایش تولید و به این ترتیب کمک به رشد و توسعه اقتصادی کشور است. اگر به اهداف هر یک از عقود نگاه کنیم این اهداف به وضوح بیشتری ملاحظه می‌شوند. تا آنجا که حتی در مورد قرض الحسنه، از سه نوع مصرفی که برای آن پیش‌بینی شده دو نوع آن مستقیماً تولیدی و نوع سوم که مصرف برای رفع نیازهای ضروری است نیز مستقیم و یا غیرمستقیم با افزایش تولید ارتباط دارد و حتی در دستورالعمل‌های اجرایی میزان قرض الحسنه اعطایی برای مورد اخیر حداکثر ۲۵٪ کل تسهیلات قرض الحسنه در نظر گرفته شده است یعنی $\frac{۳}{۴}$ بقیه قطعاً می‌باید در امور مستقیماً تولیدی مصرف گردد.

هم اکنون بعد از حدود ده سال از اجرای این قانون ملاحظه می‌شود که عده‌ای از مسئولان و صاحب‌نظران حتی در اسلامی بودن آن شک و تردید دارند (۶) و هدف از مقاله حاضر آن است که با یک بررسی اجمالی ملاحظه شود که تا چه اندازه در نیل به اهداف صراحتاً یاد شده در ماده ۱ قانون موفق بوده است و در صورت عدم توفیق چه مشکلات نظری و عملی می‌تواند موجبات عدم تحقق اهداف بحق آن را در عمل فراهم ساخته باشد.

در رابطه با هدف اول که استقرار نظام پولی و اعتباری بر مبنای حق و عدل با ضوابط اسلامی است هرچند هدف ارزشی و هنجاری است ولی تحقیق آن را از طرق مختلف می‌توان بررسی نمود از جمله توزیع اعتبارات اعطایی از نظر جغرافیایی که چه نسبتی به مناطق محروم و چه درصدی به مناطق و بخشهای نسبتاً مرفه‌تر پرداخت شده است. و یا از نظر دریافت‌کنندگان اعتبارات که چه نسبتی از تسهیلات به افراد نیازمند و چه نسبتی به ثروتمندان اعطا شده است و یا اینکه چه مقدار صرف امور تولیدی و ازدیاد واقعی تولید و نهایتاً موجب ازدیاد بازده کل جامعه شده و چه درصدی صرف امور واسطه‌گری، خرید و فروش و بازرگانی صوری داخلی و خارجی و نهایتاً منجر به افزایش قیمت‌ها شده است. این تحلیل فعلاً به دلیل در اختیار نبودن آمار تفصیلی تسهیلات اعطایی برای نویسنده امکان‌پذیر نیست گرچه با توجه به تحقیق یا عدم تحقق اهداف دیگر می‌توان درباره موفقیت یا عدم موفقیت این هدف نیز نتیجه‌گیری اجمالی نمود. حال با در نظر گرفتن اهداف قانون که تأکید و تکیه بر قرض الحسنه، افزایش تولیدات و ثبات ارزش پول است می‌خواهیم عملکرد قانون را ملاحظه کنیم.

در رابطه با گسترش تعاون عمومی و قرض الحسنه که می‌باید یکی از محورهای اصلی بانکداری اسلامی باشد (زیرا که در بسیاری از روایات تأکید شده است که اساساً فلسفه حرمت ربا این است که جلو قرض الحسنه‌ها گرفته نشود). (۷) نتیجه چندان رضایت‌بخش نیست. به طوری که در جدول ۲ ملاحظه می‌شود در سه ساله اول اجرای قانون نسبت قرض الحسنه به کل تسهیلات در حد تعیین شده در قانون و حتی اندکی رشد داشته است ولی از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۱ روند نزولی داشته به طوری

که این نسبت در سال ۱۳۷۱ کمتر از یک سوم همین نسبت در سال ۱۳۶۵ می‌باشد.

جدول (۲)

مبلغ و درصد تسهیلات پرداخت شده به بخش غیردولتی به صورت وام قرض‌الحسنه

واحد: میلیارد ریال

سال	مبلغ	درصد از کل تسهیلات
۱۳۶۳	۷۸/۴	۱۰/۵
۱۳۶۴	۱۹۹/۱	۱۰/۶
۱۳۶۵	۳۲۱/۴	۱۱/۵
۱۳۶۶	۴۱۱/۹	۱۰/۶
۱۳۶۷	۵۰۷/۵	۹/۶
۱۳۶۸	۵۶۴/۵	۷/۵
۱۳۶۹	۶۳۹/۸	۵/۷
۱۳۷۰	۶۸۲/۰	۴/۱
۱۳۷۱	۷۷۵/۸	۳/۶

ماخذ: گزارشهای اقتصادی و ترازنامه سالهای مختلف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

یکی از محدودیت‌هایی که در اعطاء قرض‌الحسنه از نظر قانونی وجود دارد این است که قرض‌الحسنه اعطائی نباید از جمع کل سپرده‌های قرض‌الحسنه تجاوز نماید و به طوری که از مقایسه جداول ۲ و ۳ ملاحظه می‌شود طی این مدت همواره قرض‌الحسنه‌های اعطایی از قرض‌الحسنه‌های دریافتی به مراتب کمتر بوده است. با مشاهده آمار سپرده‌های قرض‌الحسنه ملاحظه می‌شود که قدر مطلق سپرده‌های قرض‌الحسنه پس‌انداز در این مدت رشد چشمگیری داشته ولی وقتی نسبت سپرده‌های قرض‌الحسنه به کل نقدینگی محاسبه می‌شود مجدداً پائین بودن این نسبت، و روند نزولی آن در سالهای ۶۴ تا ۶۹ ملاحظه می‌شود.

جدول شماره ۳

مبلغ سپرده‌های قرض‌الحسنه پس‌انداز و نسبت سپرده‌های قرض‌الحسنه
به کل نقدینگی

واحد: میلیارد ریال

سال	سپرده‌های قرض‌الحسنه پس‌انداز	نسبت سپرده‌های قرض‌الحسنه به کل نقدینگی
۱۳۶۳	۷۸۰/۰	۹
۱۳۶۴	۹۰۳/۵	۱۰
۱۳۶۵	۹۴۰/۶	۹
۱۳۶۶	۱۰۴۵/۵	۸
۱۳۶۷	۱۱۹۳/۹	۸
۱۳۶۸	۱۲۸۰/۶	۷
۱۳۶۹	۱۳۹۲/۳	۶
۱۳۷۰	۱۸۶۸/۶	۶
۱۳۷۱	۲۴۴۱/۰	۶

مأخذ: گزارشهای اقتصادی و ترازنامه سالهای مختلف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

در رابطه با حفظ ثبات ارزش پول به طوری که از جدول ۴ ملاحظه می‌شود از نظر افزایش وضع نقدینگی بعد از اجرای این قانون و به طور متوسط در فاصله ۱۳۶۳ تا ۱۳۷۱ سالانه ۱۹/۱ درصد افزایش یافته و این در حالیکه تولید خالص داخلی کشور که از طرفی ما بازاء عینی و واقعی این نقدینگی است و از طرف دیگر و با عنایت به جدول شماره ۱ نتیجه و کارکرد نظام بانکداری جدید را نشان می‌دهد رشدی اندک و گاهاً منفی و در جمع در این فاصله تنها ۱/۳ درصد سالانه و به طور متوسط رشد داشته است.

جدول شماره ۴ - رشد سالانه نقدینگی و رشد سالانه تولید ناخالص داخلی (درصد)

سال	رشد سالانه نقدینگی	رشد سالانه تولید ناخالص داخلی (نسبت ثابت ۱۳۶۱)
۱۳۶۳	۶	۰/۱
۱۳۶۴	۱۳	۴/۲
۱۳۶۵	۱۹	-۹/۱
۱۳۶۶	۱۸	-۱/۹
۱۳۶۷	۲۳/۸	-۸
۱۳۶۸	۱۹/۵	۳
۱۳۶۹	۲۲/۵	۱۲/۱
۱۳۷۰	۲۴/۶	۱۰/۹
۱۳۷۱	۲۵/۳	۶/۳

مأخذ: گزارشهای سالانه و ترازنامه سالهای مختلف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

به این ترتیب ملاحظه می‌شود که کارنامه قانون از لحاظ نیل به هدف‌های تعیین شده برای آن چندان درخشان به نظر نمی‌رسد. علل این عدم توفیق را در پیچیدگی‌های خاصی باید جستجو نمود که از نظر نظری و عملی با آن دست به‌گیربان بوده است. برخی از این مشکلات عبارتند از:

مشکلات مفهومی

در قرآن به صراحت اعلام شده است که (احل... البیع و حرم الربوا) (۸) و به این ترتیب هیچ شک و شبهه‌ای در حرمت ربا باقی نمی‌ماند و شارع مقدس نه تنها عمل رباخواری را حرام دانسته بلکه مرتکب آن را محارب با خدا و رسول خدا قرار داده است «فان لم تفعلوا فأذنوا بحرم من ا... و رسوله» (۹) در رابطه با تعریف ربا عنوان شده است که «ربا یعنی تبدیل جنسی بمانند خودش باضافه مقداری زائد بر آن» (۱۰) شهید آیت‌الله مطهری ربا را اینگونه تعریف می‌کند که «ربای معمول که در دنیا بنام ربا خوانده می‌شود همین است که سودی در مقابل قرض بگیرند و بیشتر قرض‌ها هم در مورد پول است ولی در اسلام غیر از ربای قرض که به شدت حرام شده نوعی معامله هم حرام شده و اسم آن نیز

ریا گذاشته شده است که به آن ربای معاملی گویند و آن اینست که جنسی به مثل خودش ولی با زیاده خرید و فروش کنند» (۱۱). در هر یک از این دو تعریف نکات و مفاهیم روشن نشده بسیاری وجود دارد از قبیل اصطلاحات جنس، مقدار زائد بر اصل و یا خود کلمه پول.

برای اینکه پیچیدگی و مشکلات مسئله بیشتر مشخص شود تنها به تحلیل اجمالی واژه پول می‌پردازیم که خود نیز مباحث فرعی و متعددی را به همراه دارند. اصولاً در اقتصاد تعریف جامع و مانعی از پول ارائه نشده و اقتصاددانان بجای تلاش در جهت تعریف پول به بیان وظایف آن می‌پردازند. وظایف اصلی که برای پول ذکر می‌شود واسطه مبادله، واحد محاسبه و معیار سنجش ارزش بودن آن است برخی از اقتصاددانان وظایف دیگری نیز برای پول قائلند هم چون:

- وسیله‌ای برای تأخیر انداختن پرداخت‌ها (۱۲) Standard for Deferred Payments

- ذخیره ارزش (۱۳) Store of value

- وسیله‌ای برای نگهداری ثروت (۱۴) A way of Holding Wealth

- وسیله‌ای برای ذخیره قدرت خرید (۱۵) Store of Purchasing Power

ولی از میان وظایف فوق، شاید نیاز به پول به عنوان واسطه مبادله مهمترین وظیفه‌ای باشد که پول از قدیم‌الایام به عهده داشته است که آن نیز ناشی از تمایل به تسهیل مبادله و کم کردن هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم آن می‌باشد و احتمالاً به همین دلیل است که در طول تاریخ و در کشورهای مختلف کالاهای متفاوتی که امروزه شاید غیرمعمول نیز به نظر می‌رسند وظیفه پول را عهده‌دار بوده‌اند (۱۶).

ظاهراً ارسطو از جمله اولین کسانی است که راجع به پول، وظیفه و نقش آن در جامعه بحث کرده است (۱۷) و بین علمای مسلمان اولین کسی که به صورت منظم مسئله پول را مورد بحث قرار داده است غزالی است که در کتاب احیاءالعلوم به تفصیل و در کیمیای سعادت به اختصار مباحث مربوط به پول را مطرح نموده است. از دیدگاه غزالی پول دو وظیفه اصلی و اساسی را به عهده دارد. واحد محاسبه و رابطه مبادله بودن و این دو را چنین توضیح می‌دهد که چون کالاها با یکدیگر مبادله شوند پول وسیله‌ای است که «قیمت کالا در وی پدیدار آید» و به دلیل نیاز به مبادله معتقد است که «پس به چیزی حاجت بود که همه را به قیاس وی» بدانند. غزالی در توضیحات خود به نکته‌ای اشاره می‌کند که امروزه در تعریف پول به عنوان «قابلیت قبول عامه داشتن» (General Acceptability) مطرح است و غزالی از آن به عنوان «رغبت» (۱۸) یاد می‌کند چنان که در سخن از طلا و نقره به عنوان پولهای رایج آن زمان می‌گوید طلا و نقره «دو گوهر عزیزند که با ایشان همه چیز به دست آید و همه کسی در ایشان رغبت کند» (۱۹).

در رابطه با ارزش ذاتی یا ارزش اعتباری پول عقاید یکسان نیست، در حالی که غزالی معتقد است

که پول تنها واسطه مبادله است و مطلوب بالذات نیست و بنابراین ارزش واقعی ندارد (۲۰)، مرحوم علامه طباطبائی معتقد است که «چطور ممکن است مقیاسی وسیله اندازه‌گیری چیزی قرار گیرد در صورتی که سنخ آن اندازه را خودش نداشته باشد؟ مثلاً ممکن است متر جز با طول خود درازای پارچه را تعیین کند یا کیلو جز با سنگینی خود وزن چیزی را معین کند و... چگونه قابل تصور است که چیزی ارج و قدر داشته باشد ولی مستقلاً مطلوب نباشد» (۲۱) بنابراین به نظر علامه پول مطلوب بالذات هست و ارزش واقعی نیز دارد. در حالی که شهید مطهری در کتاب ربا، بانک - بیمه چنین اظهار نظر می‌کند که «پول ارزش واقعی ندارد و این تعهد و ضمانت دولت است که به او ارزش و اعتبار می‌دهد» (۲۲) در حقیقت مسئله ارزش داشتن پول به اعتقاد درباره این که آیا پول و اسکناس مخصوصاً پولهای اعتباری جدید «مالیت» دارند ارتباط پیدا می‌کند و برای درک «مالیت» پول باید ابتدا مفهوم «مال» مشخص گردد.

«مال در اصل از فعل ماضی میل است به معنی خواستن در فارسی هم به مال خواسته می‌گویند و در اصطلاح چیزی است که ارزش اقتصادی داشته و قابل تقویم به پول باشد» (۲۳). بنابراین تعریف مال قابل انطباق با تعریف کالای اقتصادی است و بنابراین مسئله اینست که آیا می‌توان کلمه کالا را بر پول اطلاق نمود؟ در این رابطه غزالی پول را ذاتاً کالا نمی‌داند و برای آن قائل به مالیت نیست. مرحوم شهید مطهری علیرغم اظهار نظر نمودن درباره ارزش اعتباری پول در این رابطه چنین اظهار نظر می‌کند «اینکه آیا اسکناس خودش واقعاً مالیت دارد یا اینکه اسکناس هم نیز یک سند است و خودش مالیت ندارد یک امر فقهی نیست که فقیه باید روی آن نظر بدهد بلکه مسئله یک امر اقتصادی است» (۲۴). به این ترتیب ملاحظه می‌شود که این مفاهیم از قدیم‌الایام تا بحال مورد بحث بوده و هنوز هم توافقی درباره آن حاصل نشده است. البته طرح و بحث این مسائل از نظر آکادمیک بسیار لازم و زیبا هستند ولی برای کارگزار بانک و مشتری عادی زیاد کارساز نیستند. اینان دنبال مفاهیمی هستند که در قانون دقیقاً بیان شده و با واقعیات خارج نیز مطابقت داشته باشند. واقعیت امر این است که ابزارهای اعتباری امروز با نقش بسیار حساسی که در جوامع امروزه بازی می‌کنند و جریان گردش پول و تغییرات عرضه و حجم پول که مانند خون در رگهای اقتصادی کشور ضرورتی اجتناب‌ناپذیر یافته و ابزاری قوی در اختیار مقامات می‌باشند با مفهوم پول که در متون یاد شده فوق بکار رفته است متفاوت به نظر می‌رسد و در این شرایط تعمیم احکام ناظر بر درهم و دینار با اوصاف خاص خود آنها بر پولهای از نوع جدید با ویژگی‌هایی که دارند از جمله مسائلی است که فقها باید در کلیت آن نظر بدهند. نکته دیگر درباره مفهوم بانک است. آنچه در نظر اول از این واژه متبادر به ذهن می‌رسد موسسه‌ای است که بر اساس وام عمل می‌کند یعنی از یک طرف سپرده‌های افراد را که در حقیقت نوعی وام است اخذ نموده و از طرف دیگر از محل همین سپرده‌ها به متقاضیان وام می‌پردازد. علیرغم

تشابه اسمی سپرده در دو نظام ربوی و غیرربوی یک تفاوت ماهوی بین این دو وجود دارد و آنهم ناشی از همین نکته است. سپرده در سیستم ربوی نوعی وام مشتری به بانک است با بهره‌ای از پیش تعیین شده ولی سپرده در سیستم غیرربوی نوعی بکارگیری وجوه مشتری از طریق شراکت، وکالت و امانت و بدون هیچگونه بهره یا سود از پیش تعیین شده می‌باشد. به دلیل اهمیت وام در نظام بانکی ربوی، در تعریف بانک به معنی اعم و یا بانک‌های تجارتي و بازرگانی به معنی اخص همواره واژه‌های وام (Loan) و وامسازي (Making Loans) به عنوان اجزاء تفکیک‌ناپذیر تعریف بانک دیده می‌شوند (۲۶). در حالی که در بانکداری غیرربوی وام به ترتیب یاد شده نقشی ندارد و بکارگیری واژه بانک در غیر از معنی مصطلح آن اشکالاتی را ایجاد می‌کند.

مشکلات ساختاری

- ساختار پیش‌بینی شده در این قانون بر اساس شراکت، نیابت، وکالت و امانت است یعنی ساختاری که اعتماد متقابل طرفین به یکدیگر شرط اصلی موفقیت چنین سیستمی است. فرض انتخاب شریک، وکیل و امینی که مورد اعتماد نباشد غیرقابل تصور است و تا زمانی که شرایط لازم برای ایجاد چنین اعتمادی فراهم نشده این مفاهیم جز الفاظ صوری و خالی از محتوی نقش دیگری نمی‌توانند داشته باشند.

- از آنجا که عقود کلاً عقود شرعی هستند ساختار لازم برای تحقق آن در صورتی که تنها شکل و فرم قرارداد مطرح نبوده و محتوا منظور نظر باشد یک جامعه مذهبی می‌طلبد یعنی جامعه‌ای که مبتنی بر احکام شرعی بوده و اکثریت قابل ملاحظه افراد خود را به رعایت احکام آن متعهد بدانند. به عبارت دیگر فرض بر این است که هم کارگزار بانک و هم مشتری پس از مذاکره و امضاء قرارداد به شرایطی تن در داده‌اند که قبلاً موافقت و رضایت قبلی خود را با آن شرایط اعلام داشته‌اند در حالی که واقعیت امر چنین نیست و متأسفانه در این مدت نیز کار فرهنگی لازم نه تنها برای آموزش عمومی افراد جامعه و آشنائی آنان نشده بلکه حتی بسیاری از مجریانی که با مردم سر و کار دارند نیز با بکارگیری همان تعبیر مرسوم در بانکداری ربوی، مثل وام و بهره و جریمه و خسارت دیرکرد و... با مشتریان برخورد می‌کنند.

- از آنجا که قانون بانکداری بدون بهره (ربا) عملاً در بخش واقعی اقتصاد وارد شده نیاز به ساختار مناسب این بخش را دارد. یعنی اگر هدف واقعی افزایش سود بانک از طریق افزایش تولید باشد همانطور که از اهداف عقود مذکور در جدول ۱ پیداست این هدف نیازمند به تشکیلاتی است که در تهیه چنین طرح‌هایی مشارکت داشته یا بتواند نسبت به ارزیابی آن اقدام کند و در هر حال در جریان کار نظارت مستمر داشته باشد در حالی که چنین ساختاری در قانون پیش‌بینی نشده است.

- ساختار فرضی جامعه برای موفقیت این قانون بگونه‌ای متصور است که ثبات ارزش پول تضمین شده باشد والا در شرایط تورمی و کاهش مستمر ارزش پول و در شرایطی که پرداخت جبران تورم نیز مجاز دانسته نشده معلوم نیست تحت تأثیر چه انگیزه‌ای (جز روحیه ایثار که از همه افراد مورد انتظار نیست) می‌توان انتظار سپردن پس‌انداز به سیستم بانکی را داشت. البته در صورتی که شراکت به معنی واقعی کلمه تحقق یافته و خروج پول از سیستم همزمان با انجام فعالیتهای اقتصادی باشد (۲۸) این مسئله به خودی خود منتفی است ولی تا آن زمان، تورم و کاهش ارزش پول واقعی است که می‌باید به نحوی مورد پذیرش قرار گرفته و به گونه‌ای جبران آن منظور گردد.

مشکلات فقهی

در بانکداری اسلامی برخلاف بانکداری ربوی معاملات باید تابع احکام و ضوابط شرع مقدس اسلام باشد که در برخی از موارد امکان کنترل و نظارت بر آن وجود ندارد. مثلاً علیرغم آن که قصد و نیت شرط اصلی معامله است (الاعمال بالنیات) راهی برای اطلاع از آن وجود ندارد و ضواهر امر اینگونه نشان می‌دهد که در بیشتر موارد هدف اصلی مشتری استفاده از تسهیلات و هدف اصلی کارگزار بانک اطمینان از بازدهی چند درصد بنام سود می‌باشد و در این میان روح قضیه چندان مطرح نیست. در حالی که عدم اطلاع مشتری و بانک از محتویات اوراقی که امضاء می‌کنند می‌تواند موجب بطلان معامله و حرام بودن آن گردد. آیتا... رضوانی عضو و نماینده فقهای شورای نگهبان در سخنرانی امسال خود به جنبه‌هایی از آن اشاره کردند و در سمینار دو سال قبل نیز فرموده بودند که «تا علم نداشته باشد به این جهات (شرایط معامله) قصد معامله نمی‌آید و تا قصد معامله نیاید معامله باطل است و معامله‌ای که باطل شد بدتر از ربا می‌شود (۲۷)» بهرحال صوری عمل کردن بهر دلیلی که باشد اعم از عدم آشنایی به مقررات و قوانین و یا نداشتن انگیزه مناسب جهت رعایت ضوابط قانونی چه از ناحیه مشتری و چه از ناحیه بانک نتیجه آن خواهد بود که تصور عامه آن باشد که فعالیت بانکها امروزه عمدتاً ربوی است. تنها ظواهر و عناوین عوض شده و واقعیت کارها همان شیوهه عملکرد بانکهای ربوی است (۲۸).

لایحه عمدتاً بر اساس فتاوی مرحوم امام تدوین شده است ولی متأسفانه در مسائل مربوط به پول و بانک و ربا اتفاق نظر بین فقها وجود ندارد مثلاً معظم له حیلۀ شرعی برای فرار از ربا را مجاز نمی‌داند در حالی که برخی فقهای دیگر بعضی از راه‌های فرار را مجاز می‌دانند. یا گاه گفته می‌شود که «حرمت ربا در معاملات منحصر به مکیل و موزون دانسته شده است» (۲۹) و یا جبران کاهش ارزش پول در وضعیت‌های تورمی که ظاهراً با نظر عده‌ای از فقها و صاحب‌نظران حوزه سازگار است اما بسیاری از مراجع با آن موافق نیستند (۳۰).

مشکلات اجرایی

در قانون عملیات بانکی بدون بهره (ریا) ۱۱ نوع عقد پیش‌بینی شده و با در نظر گرفتن خرید دین که بر اساس مصوبه شورای پول و اعتبار و تأیید شورای نگهبان قدرت قانونی یافته است جمعاً ۱۲ عقد مورد عمل می‌باشد. (به این ترتیب تعداد عقود منحصر به همین ۱۲ تا نیست و به طوری که ملاحظه می‌گردد می‌تواند به بیش از این نیز افزایش یابد.) ولی آنچه در عمل و در طی ده سال گذشته اتفاق افتاده است درصد تسهیلات اعطایی از طریق سه نوع عقد فروش اقساطی، مشارکت مدنی و مضاربه همواره بیش از ۶۰ درصد و در برخی از سالهای ۷۵ درصد کل تسهیلات را تشکیل می‌دهند. برخی از عقود همچون مزارعه و مساقات هرگز موردی برای اجراء نداشته‌اند.

جدول شماره ۵ آمار مانده تسهیلات اعطایی بانکها به بخش غیردولتی را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۵

ترکیب مانده تسهیلات پرداخت شده به بخش غیردولتی برحسب عقود

از طریق بانکهای تجاری و تخصصی

(درصد)

سال	۱۳۶۳	۱۳۶۴	۱۳۶۵	۱۳۶۶	۱۳۶۷	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	شرح
فروش اقساطی	۳۳/۳	۳۲/۳	۳۵/۳	۴۲/۲	۴۶/۶	۴۶/۶	۴۸/۷	۴۶/۷	۴۶/۲	
مضاربه	۱۸/۱	۱۵/۷	۱۵/۳	۱۲/۵	۱۰/۸	۱۰/۷	۱۰/۲	۹/۶	۸/۴	
مشارکت مدنی	۱۴/۷	۱۳/۰	۱۳/۷	۱۳/۷	۱۱/۶	۱۲/۷	۱۴/۴	۱۷/۶	۱۷/۵	
قرض الحسنه اعطایی	۱۰/۵	۱۰/۶	۱۱/۵	۱۰/۴	۹/۶	۷/۴	۵/۷	۴/۲	۳/۶	
اجاره به شرط تملیک	۳/۸	۲/۰	۱/۸	۲/۱	۱/۹	۱/۴	۱/۱	۱/۴	۱/۱	
معاملات سلف	۳/۶	۳/۱	۳/۹	۴/۰	۴/۸	۶/۶	۵/۲	۴/۹	۶/۶	
مشارکت حقوقی	۳/۵	۷/۳	۶/۵	۷/۰	۷/۱	۵/۷	۴/۵	۴/۸	۵/۱	
سرمایه‌گذاری مستقیم	۰/۶	۳/۵	۲/۷	۱/۶	۱/۳	۱/۳	۱/۳	۱/۳	۱/۹	
جعاله	۰/۳	۱/۴	۱/۴	۱/۸	۲/۷	۵/۰	۶/۶	۷/۰	۶/۰	
خرید دین	۱۱/۴	۹/۹	۶/۳	۳/۰	۱/۰	۰/۶	۰/۳	۰/۱	۰/۱	
سایر*	۰/۲	۱/۲	۱/۶	۱/۷	۲/۶	۲/۲	۲/۰	۲/۴	۳/۵	
جمع کل	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	

* شامل مطالبات معوق و سررسید گذشته می‌باشد.

ماخذ: گزارشهای سالانه و ترازنامه سالهای مختلف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران